



## Erdoğanism; Populism as a "Political Strategy"

Alireza Samiei Esfahani <sup>1\*</sup>

Sara Farahmand <sup>2</sup>

Received on: 25/05/2022

Accepted on: 18/10/2022

### Abstract

Gaining power by the Justice and Development Party with a democratic and pragmatic face was a new voice in Turkey's political environment which managed to reflect and represent the real issues of the society and be popular with the public. However, since 2013, the ruling Justice and Development Party has transformed from a popular quasi-democratic political party to an exclusionary populist party; In a way that most theorists of populism, many analysts of Turkish issues, as well as writers of prominent news media such as Guardian, Bloomberg, New York Times and Foreign Policy, called Erdogan and his party "populist". Accordingly, the current research, by using the theoretical framework of populism, especially the ideas of people like Kurt Wieland, Robert Barr, Kenneth Roberts, and Pappas, in the form of "populism as a political strategy", tries to answer this main question that what the causes of Erdogan and the Justice and Development Party's tendency towards populism were in the last decade; And how did Erdoğan utilize populism to achieve his desired goals? The findings show that, in the last decade, relying on populist tools and positions such as the foreign status of political actors, anti-establishment attraction, personal ties, unorganized mobilization, etc., Erdogan has artistically used populism as a "political project to build and maintain power" for himself and his party. The research approach is political sociology, qualitative research method, causal explanation type and data collection method, library, and also using virtual resources.

**Keywords:** Justice and Development Party, Erdogan, populism, political Strategy, Political Mobilization.

---

1\*. Associate Professor of the Political Science Department of Yasouj University.  
(Corresponding Author: [asamiei@yu.ac.ir](mailto:asamiei@yu.ac.ir))

2. MA Graduated from Payam Noor University of Qazvins. (Email: [farahmand457@yahoo.com](mailto:farahmand457@yahoo.com)).



## اردوغانیسم؛ پوپولیسم به مثابه «استراتژی سیاسی»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

علیرضا سمیعی اصفهانی<sup>\*۱</sup>

سارا فرحمند<sup>۲</sup>

چکیده

دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت با چهره‌ای دموکراتیک و عمل‌گرا در فضای سیاسی ترکیه صدای جدیدی بود که موفق شد مسائل واقعی جامعه را در خود منعکس و نمایندگی کرده و مورد اقبال عمومی واقع شود. با این حال، از سال ۲۰۱۳ میلادی حزب حاکم عدالت و توسعه از یک حزب سیاسی شبه دموکراتیک محبوب به یک حزب پوپولیستی پردکننده، تبدیل شد، به نحوی که اغلب نظریه‌پردازان پوپولیسم، بسیاری از تحلیل‌گران مسائل ترکیه و همچنین نویسندگان رسانه‌های خبری برجسته مانند گاردین، بلومبرگ، نیویورک تایمز و فارین پالیسی، اردوغان و حزب او را «پوپولیست» نامیدند. با این‌وصف، پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا با بهره‌گیری از چارچوب نظری پوپولیسم، بویژه نظریات کسانی چون کورت ویلند، رابرت بار، کنت رابرتز و پاپاس، در قالب «پوپولیسم به مثابه استراتژی سیاسی» به این پرسش اصلی پاسخ دهد که در یک دهه اخیر علل گرایش اردوغان و حزب عدالت و توسعه به پوپولیسم چه بوده است و اردوغان چگونه از پوپولیسم در راستای تامین اهداف مورد نظر خود بهره‌جسته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اردوغان در یک دهه گذشته با تکیه بر ابزارها و موقعیت‌های پوپولیستی مانند؛ وضعیت خارجی بازیگر سیاسی، جاذبه ضد تشکیلات، پیوندهای شخصی، بسیج سازمان‌نیافته و... از پوپولیسم به مثابه «پروژه‌ای سیاسی برای ساخت و حفظ قدرت» خود و حزبش به طرز هنرمندانه‌ای بهره‌گرفته است. رویکرد پژوهش، جامعه‌شناسی سیاسی، روش پژوهش کیفی، از نوع تبیین علی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و همچنین بهره‌گیری از منابع فضای مجازی است.

**واژگان کلیدی:** حزب عدالت و توسعه، اردوغان، پوپولیسم، استراتژی سیاسی، بسیج سیاسی.

\*۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج. (نویسنده مسئول: [asamei@yu.ac.ir](mailto:asamei@yu.ac.ir)) (صفحه ۱۶۷-۱۹۶)

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین. ([sfarahmand457@yahoo.com](mailto:sfarahmand457@yahoo.com))

## مقدمه

در پی انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان و عبدالله گُل، با کسب آراء لازم، توانست در یک نظام سیاسی سکولار به تنهایی دولت تشکیل داده و با آغاز فرایند جامع اصلاحات تحول جدیدی را در ترکیه ایجاد نماید. این حزب سیاست‌های سنجیده و روشمندی را برای بهبود اوضاع داخلی و خارجی کشور در دستور کار خود قرارداد، به طوری که در پرتو اجرای آن‌ها تحولات مثبت و بنیادینی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور به وجود آمد. حزب عدالت و توسعه، پس از به دست گرفتن قدرت، اجرای برنامه تثبیت اقتصادی با محوریت سیاست پولی را در پاسخ به بحران اقتصادی ۲۰۰۲-۲۰۰۱ در دستور کار دولت جدید قرارداد به نحوی که در پنج سال اول زمامداری اردوغان، یعنی از سال ۲۰۰۷-۲۰۰۲، اقتصاد ترکیه رشد پایداری را تجربه کرد. روشن است که سیاست‌های اصلاح‌گرایانه حزب حاکم مبنی بر رعایت حقوق بشر، حذف اعدام از مجازات‌ها، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، رفع تبعیض، کاهش تعداد و نقش نظامی‌ها در منصب‌های اجرایی از جمله دبیر شورای امنیت ملی و... را باید یکی از مهم‌ترین علل پیروزی مجدد آن دانست، چرا که این برداشت را در ذهن ترک‌ها به وجود آورد که حزب عدالت و توسعه افرادی دموکرات و قانون‌گرا هستند. در زمینه سیاست خارجی نیز حزب عدالت و توسعه عملکرد موفقی داشته است، به خصوص در بحث حمایت از عضویت در اتحادیه اروپایی، با گرفتن تاریخ مشخصی برای شروع مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپایی، باز هم به افزایش محبوبیت این حزب در افکار عمومی کمک کرد.

با این حال پس از یک دهه به‌ویژه از سال ۲۰۱۳ به بعد، رئیس‌جمهوری ترکیه، از شخصیت سیاسی اصلاح‌طلب و محتاط به پوپولیست‌ترین رهبر راست‌گرا در مرکز داده‌های پوپولیسم جهان (که سطح گفتمان پوپولیستی را در سخنرانی‌های ۱۴۰ تن از رهبران اروپا و آمریکا ردگیری می‌کند) بدل گردید. گروهی از پژوهشگران به نام «تیم پوپولیسم» تحت نظارت پروفیسور هاوکینز<sup>۱</sup> گزارشی را برای گاردین تهیه کرد که بر اساس آن، اردوغان با نمره ۱.۵ از ۲ به عنوان «پوپولیست» طبقه‌بندی شده است. او بالاترین نمرات را در کنار سیاست‌مدارانی مانند چاوز و مادورو از اکوادور، رافائل کورئا از اکوادور و مورالس از بولیوی داشت. جالب است که او تنها رهبر غیرآمریکایی لاتین با شاخص «بسیار

1 . Hawkins

پوپولیستی» بود که در محدوده ۱.۵ تا ۲ قرار داشت. گاردین گزارش مستقلى نیز از او منتشر کرد تا جدول زمانى توسعه سیاست‌های پوپولیستی در دوره زمامداری او را نشان دهد. بر اساس داده‌های ارائه شده توسط تیم پوپولیسم، زمانى که اردوغان به قدرت رسید (برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳) نمره پوپولیسم او پایین یعنی ۰.۱ بود که او را در رتبه یکسان با تونى بلر و ژاک شیراک قرار می‌دهد، با رفتن به دوره بعدی، سال‌های بین ۲۰۱۴ تا ۲۰۰۷، اردوغان نمره ۰.۹ را دریافت کرد و در کنار سیلیویو برلوسکونی، «تا حدی پوپولیست» طبقه‌بندی شد و در آخرین دوره بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۴، نمره پوپولیسم اردوغان به ۱.۵ رسید (ن.ک نمودار ۱، Lewis, & et.al, 2019). حال این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که چرا اردوغان و حزب عدالت و توسعه، در یک دهه اخیر به سیاست‌های پوپولیستی گرایش پیدا کرد و چگونه از پوپولیسم در راستای حفظ و افزایش قدرت خود بهره جسته است؟ در پاسخ، این فرضیه به آزمون گذاشته خواهد شد که به نظر می‌رسد اردوغان پس از سال ۲۰۱۳ با توجه به رویدادهایی مانند اعتراضات پارک گزی ۲۰۱۳، نتایج ضعیف انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۵، کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، تضعیف روند الحاق به اتحادیه اروپا، تهدید فزاینده ناشی از الیگارشی دولت عمیق (ارتش، قوه قضاییه، رسانه‌های وابسته به آنها) و... ناگزیر از سیاست‌های پوپولیستی به مثابه نوعی «استراتژی سیاسی» برای حفظ و تقویت قدرت خود بهره گرفته است.

## الف- مبانی نظری

از حیث ریشه‌شناسی، پوپولیسم از واژه لاتین پاپولس یا پاپیولاریس<sup>۱</sup> به معنای توده مردم یا عامه گرفته شده است از منظر مفهوم‌شناسی، اگرچه پژوهش‌های بسیاری در مورد پوپولیسم صورت گرفته است، با این حال ویژگی بارز این پژوهش‌ها تأکید آن‌ها بر «مبهم بودن» این مفهوم است (برای نمونه ن.ک؛ 3: Canovan, 1981، 22-23: Krastev, 2008، 143: Laclau, 1977، 18: Taggart 2000، 2: Arato, 2013، 135: De La Torre, 1992، 1: Weyland, 2001، & Kaltwasser, 2017، 470: Herkman, 2017). در واقع، ابهام پیرامون این مفهوم به علت ماهیت چند بعدی پوپولیسم است. مفهوم پوپولیسم ممکن است به طور هم‌زمان به «یک جنبش، یک ایدئولوژی و همچنین یک عمل یا

1 . Popularis, Populus

رویه سیاسی» اشاره داشته باشد (Laclau, 2005: 32). با این حال در یک تعریف کلی می‌توان گفت؛ پوپولیسم شکلی از سیاست‌های توده‌ای است که ایده اصلی آن، بر ادعای نمایندگی و یا عمل به نام مردم همچون مردم عادی یا عوام، اکثریت یا توده‌ها و مخالفت با نخبگان، افراد ممتاز یا گروه‌های دارای منافع خاص، تشکیلات مستقر و یا بلوک قدرت استوار است (Smelser & Baltes, 2001:118). همچنین مؤلفه‌هایی مانند؛ (۱) تأکید بر مردم (۲) تخصم بین مردم و «دیگری» خواه این دیگری، نخبگان حاکم باشد یا بیگانگان یا سایرین و (۳) اراده عمومی، از اصول و عقاید بنیادین پوپولیسم به شمار می‌آید (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۷).

از حیث نظری نیز رویکردهای مختلفی برای بررسی و تبیین پوپولیسم عرضه شده است که عبارت‌اند از: (۱) پوپولیسم به مثابه ایدئولوژی<sup>۱</sup> (۲) پوپولیسم به منزله سبک یا الگوی گفتمانی<sup>۲</sup> و (۳) پوپولیسم به مثابه استراتژی سیاسی<sup>۳</sup> (شکلی از بسیج سیاسی). (ن.ک؛ سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۷۰-۶۶). در حالی که رویکرد ایده‌پردازانه (Hawkins, 2008: 95-110; Mudde, 2004:541-63; Stanley, 2008: 95-110; Weyland, 2018) بر ایده‌ها، تصورات و ذهنیت‌های بیان شده از سوی بازیگران پوپولیست تکیه و این ایده‌ها را تحلیل می‌کند، رویکرد گفتمانی معتقد است؛ پوپولیسم نوعی جنبش نیست، بلکه منطقی سیاسی برای ایجاد یکسان‌سازی خواسته‌های اجتماعی در مقابل یک «دیگری» شناسایی شده است. به طور کلی لاکلائو<sup>۴</sup> پوپولیسم را نوعی «ساده‌سازی فضای سیاسی» و شیوه‌ای برای برساختن امر سیاسی می‌داند (Laclau, 2005, xi). از سوی دیگر، دغدغه عمده رویکرد استراتژیک یا استراتژی سیاسی (Weyland, 2001; Barr 2009) تمرکز قدرت از سوی شخصیت‌ها یا احزاب پوپولیستی است. جنبه متمایز رویکرد استراتژیک این است که پوپولیسم را به عنوان یک «پروژه سیاسی ساخت و حفظ قدرت» در نظر می‌گیرد (Barr, 2009, 40). این امر باعث می‌شود برخی از محققان، پوپولیسم را از منظر سیاسی و با تمرکز بر کارگزار و کنش‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. صاحب‌نظران برجسته رویکرد استراتژیک؛ کورت ویلند<sup>۵</sup>، رابرت بار<sup>۶</sup> و کنت رابرتز<sup>۷</sup> هستند که جوهره پوپولیسم را یکسان، اما تعاریف آن‌ها اندکی با یکدیگر متفاوت است. این صاحب‌نظران بر این باورند که پوپولیسم

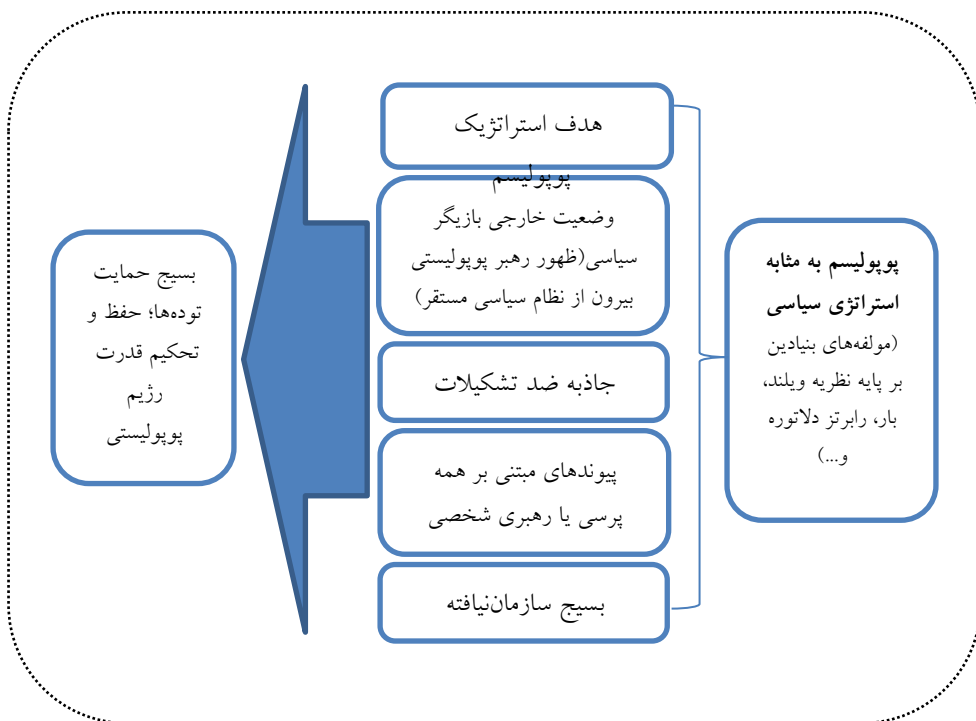
- 1 . Ideational approach
- 2 . Discursive style
- 3 . Political strategy
- 4 . Laclau
- 5 . Kurt Weyland
- 6 . Robert Bar
- 7 . Kenneth Roberts

«سازوکاری برای بسیج حمایت اجتماعی» است. ویلند، پوپولیسم را استراتژی سیاسی با سه مؤلفه بنیادین تعریف می‌کند؛ (۱) یک رهبر شخصی به توده‌های ناهمگن از پیروان متوسل می‌شود، (۲) رهبر این کار را به شیوه‌ای مستقیم انجام می‌دهد و (۳) سازمان‌دهی سیاسی در قالب ابزارهای شخصی با سطوح پایین نهادینه‌سازی صورت می‌گیرد (Weyland, 1996:3-31). رابرت بار، ادعا می‌کند که پوپولیسم ترکیبی از یک بیگانه یا مغرور سیاسی، پیوندهای همه‌پرسی<sup>۱</sup> و جذابیت ضد تشکیلات<sup>۲</sup> است پیوندهای همه‌پرسی به عنوان شکل افراطی از پیوندهای انتخاباتی<sup>۳</sup> در نظر گرفته می‌شود که در آن شهروندان با دو گزینه روبرو هستند که رهبری سیاسی از یکی آن‌ها حمایت می‌کند. چنین همه‌پرسی‌هایی به شیوه غیرمستقیم نشان دهنده حمایت مردمی از رهبر است (Barr 2009, 2017). کریسی<sup>۴</sup> و پاپاس<sup>۵</sup> نیز معتقدند؛ «پوپولیسم به مثابه استراتژی» روشی است در دستان رهبران کاریزماتیک برای به چنگ آوردن قدرت (Kriesi & Pappas, 2015: 12).

مایورگا<sup>۶</sup> پوپولیسم را الگویی از سیاست می‌نامد که در آن رهبر کاریزماتیک از گفتمان ایدئولوژیک دفاع از فقرا و محرومان بهره‌برداری می‌کند که از طریق آن حمایت انتخاباتی را به دست می‌آورد و به طور دموکراتیک تلاش برای کسب قدرت و اعمال قدرت را مشروعیت می‌بخشد (Mayorga, 2006: 135) و رابرتز<sup>۷</sup> آن را به عنوان «بسیج سیاسی توده‌ها توسط رهبران شخصی که نخبگان مستقر را به چالش می‌کشند» تعریف می‌کند (Roberts, 2006: 127-148). یا همان‌طور که پاپاس به اختصار بیان می‌کند، پوپولیسم یک «بازی قدرت استراتژیک» است (Pappas, 2012:2). در مقابل، دلاتوره<sup>۸</sup> پوپولیسم را «بسیج سیاسی مبتنی بر توسل رتوریک قوی به مردم و اقدام جمعی از جانب یک رهبر» می‌داند (DelaTorre, 2000: 4). او آن را به عنوان یک استراتژی سیاسی تعریف می‌کند که از طریق آن رهبران شخصی به دنبال اعمال مجدد قدرت دولتی بر اساس حمایت مستقیم، بدون واسطه و غیرنهادینه از سوی تعداد زیادی از پیروان عمدتاً سازمان‌نیافته هستند. رزنیک<sup>۹</sup> نیز پوپولیسم را «نوعی راهبرد انتخاباتی با هدف بسیج رأی‌دهندگان برای حمایت از یک حزب خاص» و

- 1 . Plebiscitarian linkages
- 2 . Anti-establishment appeals
- 3 . Electoral linkages
- 4 . Chris
- 5 . Papas
- 6 . Mayorga
- 7 . Roberts
- 8 . Delatore
- 9 . Reznik

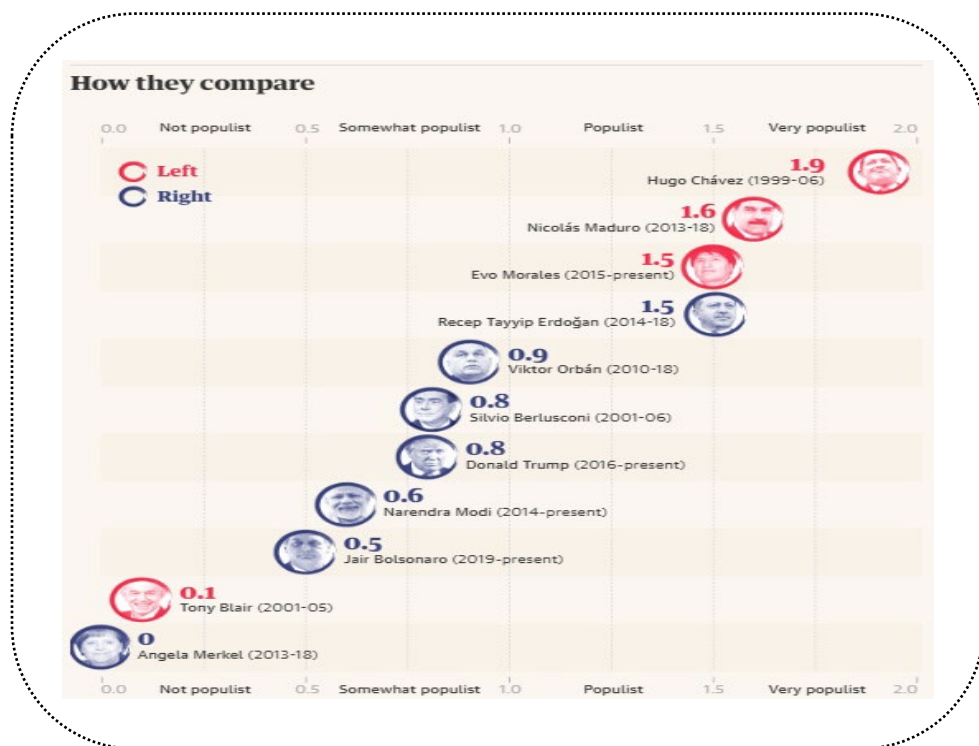
همچنین استراتژی که «متکی بر یک رهبر کاریزماتیک است که پیوندهای بدون واسطه با انبوهی از تشکیل‌دهنده‌های سازمان‌یافته و به حاشیه رانده شده را تقویت می‌کند» (Resnick, 2015:317). روی هم رفته، با بررسی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان معتقد به «پوپولیسم به مثابه استراتژی سیاسی»، مؤلفه‌های بنیادین این رویکرد را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود: ۱) هدف استراتژیک پوپولیسم، ۲) وضعیت خارجی بازیگر سیاسی (ظهور رهبر پوپولیستی بیرون از نظام سیاسی مستقر) ۳) جاذبه ضد تشکیلات ۴) پیوندهای مبتنی بر همه‌پرسی یا رهبری شخصی و ۵) بسیج سازمان‌نیافته. با این شرح و توضیح و از منظر این پژوهش، به نظر می‌رسد رویکرد «استراتژی سیاسی» با درک پوپولیسم به‌عنوان راهبردی برای بسیج حمایت توده‌ها در جهت تحکیم و حفظ قدرت، در زمینه بررسی سیاست‌های پوپولیستی دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه مناسب‌تر باشد. افزون بر این، مزیت



نمودار شماره ۱- الگوی مفهومی پژوهش؛ کاربرست و تبیین سیاست‌های پوپولیستی دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۴ تاکنون)

(منبع: نگارندگان)

دیگر پوپولیسم به مثابه استراتژی سیاسی، میزان بالای عملیاتی شدن آن است. به این معنا که بین ویژگی‌های تعیین‌کننده آن و شاخص‌هایی که ناظران می‌توانند واقعیت تجربی را با آن‌ها ارزیابی کنند، رابطه نظری روشنی وجود دارد، رویکردهای دیگر این مزیت را ندارند. در ادامه تلاش می‌گردد با تکیه بر شاخص‌های پنج‌گانه فوق، سیاست‌های پوپولیستی دولت اردوغان به‌ویژه از سال ۲۰۱۴ میلادی به این سو را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم.



شکل شماره ۱. میانگین امتیاز برجسته‌ترین رهبران پوپولیست جهان بر پایه گزارش گاردین در سال ۲۰۱۹ میلادی (اردوغان ۱.۵)

(Source: lewis et.al, 2019)<sup>۱</sup>

۱. بر پایه گزارش گاردین در سال ۲۰۱۹ میلادی، میانگین «امتیاز پوپولیسم» ۱۴۰ رهبر جهان، برپایه میزانی که سخنرانی‌های آن‌ها دربردارنده ایده‌های پوپولیست بوده ارزیابی شده است. این گزارش، گفتمان پوپولیستی رهبران را در مقیاس ۰-۲ درجه‌بندی کرده که از غیرپوپولیستی تا بسیار پوپولیستی را در بر می‌گیرد. در این مقیاس، اردوغان با امتیاز بین ۱.۵ تا ۲ در محدوده «بسیار پوپولیست» قرار گرفته است.



## ب- بحث و تحلیل؛ «استراتژی سیاسی» حزب عدالت و توسعه تحت حاکمیت

### اردوغان

در ادامه تلاش خواهیم کرد با بهره‌گیری از داده‌ها و مستندات عینی، مؤلفه‌های نظری استخراج شده از رویکرد پوپولیسم به مثابه استراتژی سیاسی یعنی؛ هدف استراتژیک پوپولیسم، وضعیت خارجی بازیگر سیاسی (ظهور رهبر پوپولیستی بیرون از نظام سیاسی مستقر، جاذبه ضد تشکیلات، پیوندهای مبتنی بر همه‌پرسی یا رهبری شخصی و بسیج سازمان‌نیافته را در مورد سیاست‌های پوپولیستی دولت اردوغان در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۳ به این سو را مورد بررسی و آزمون قرار دهیم:

#### ۱- هدف استراتژیک پوپولیسم

به نظر می‌رسد طی یک دهه گذشته (۲۰۱۳ به این سو)، اردوغان از پوپولیسم به مثابه ابزاری برای هدف اصلی خود یعنی حفظ و افزایش قدرت و کسب حمایت سیاسی توده‌ها، بهره‌گرفته است، چرا که او و حزب عدالت و توسعه در دوازده سال پیش از آن با پیروزی‌های متوالی و بدون وقفه در رقابت‌های انتخاباتی پیاپی، به راحتی فرمان می‌راندند. بنابراین، طی این سال‌ها اردوغان نیازی به کسب قدرت سیاسی از طریق پوپولیسم نداشت، با این حال از سال ۲۰۱۳ حکمرانی وی با چالش‌های بزرگ داخلی و خارجی روبرو شد، به نظر می‌رسد همین امر او را به سمت بهره‌گیری از یک استراتژی پوپولیستی برای حفظ قدرت خود سوق دهد، در ادامه به بررسی این چالش‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۱- اعتراضات پارک گزی

در اواخر ماه مه ۲۰۱۳ اعتراضاتی محدود برای محافظت از پارک گزی استانبول در برابر توسعه تجاری آغاز شد و با پیوستن معترضان سکولار و لیبرال که از این مناقشه به عنوان راهی برای بیان نارضایتی‌های خود علیه روند اقتدارگرایی و هژمونی حزب عدالت و توسعه استفاده می‌کردند اعتراضات ابعاد وسیع‌تری یافت و سبب برخورد دولت با آنان شد. این حوادث واکنش‌های بین‌المللی را نیز در پی داشت. کشورهای غربی و اتحادیه اروپا انتقادهایی را علیه سیاست‌های اردوغان مطرح کردند و به سرکوب معترضان توسط دولت ترکیه ایراد گرفتند. در این راستا سفر هیئتی از اتحادیه اروپا به ریاست آلمان به ترکیه که از قبل برنامه‌ریزی شده بود لغو شد (Baykal, 2013: 5).

رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه از همان ابتدا نسبت به معترضین و شعارهای آن‌ها، موضعی سلبی داشت و حتی حاضر نشد از اقدام خود در راستای تخریب پارک عقب‌نشینی کند و صرفاً با تکیه بر نظریه «توطئه» علیه معترضین تظاهرات ضد دولتی را شورش‌های گسترده دانسته و حزب رقیب یعنی جمهوری‌خواه خلق به رهبری کمال قلیچ‌داراوغلو<sup>۱</sup> را متهم به ایجاد ناامنی در کشور کرده و معترضان را مشت‌تنگر و همدست تروریست‌ها خواند. از این‌رو، اردوغان به جای اینکه از طریق فرایندهای دموکراتیک، به نگرانی‌ها و دغدغه‌های مردم پایان دهد با تحلیل غیرواقعی و بی‌ثمر در پاسخ به این تظاهرات با تظاهرات گسترده به عنوان نمایش حمایت توده‌ای خواستار احترام به «اراده ملت» شد. در واقع اردوغان نه تنها نگرانی مردم را نادیده گرفت بلکه با در نظر گرفتن دموکراسی در مفهوم اکثریتی نیمی از جمعیتی که از وی حمایت کرده بودند (مردم اصیل یعنی کسانی که خود را از طریق صندوق رأی ابراز می‌کردند) را در برابر نیمه دیگر (انبوهی از غارتگرانی که نمی‌توانستند هیچ ادعایی با ماهیت دموکراتیک داشته باشند) قرار داد و عملاً جبهه بزرگ سیاسی به وجود آورد (اسپوزیتو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۹)؛ (خلج منفرد، ۱۳۹۵: ۸۰).

## ۲-۱- تقابل و جدال با جنبش فتح‌الله گولن

دومین چالش بزرگی که اردوغان با آن روبرو شد، تحقیقات اختلاس در ۲۵ و ۱۷ دسامبر علیه خانواده و برخی مقامات دولتی و همچنین اعضای برجسته حزبش در پایان سال ۲۰۱۳ بود. افسرانی که به طور مخفیانه به جنبش گولن تعلق داشتند، ظاهراً تحقیقات مربوط به فساد را انجام داده‌اند که به تبع آن در دسامبر ۲۰۱۳ یک گروه ۴۷ نفره از تجار، مقامات رسمی دولت و فرزندان برخی از وزرای دولت حزب عدالت و توسعه به اتهام فساد مالی توسط پلیس دستگیر شدند. بدین ترتیب رابطه گسترده خویشاوندی و اعطای قراردادهای سودآور ساخت‌وساز به طرفداران حزب آشکار گردید ده‌ها تن از مقامات مجبور به استعفا شدند. از این‌رو جنبش گولن به عنوان یک دشمن آشکار جدید علیه اردوغان به وجود آمد (Türk, 2018: 161).

اتهامات اختلاس بدون هیچ‌گونه تحقیقات بیشتری رد شد و اردوغان نه تنها درصدد مقابله با این اتهامات برنیامد بلکه او فتح‌الله گولن و «نهضت خدمت» را هدف قرار داد که در صدد نابودی ترکیه بودند. از این‌رو ادعا کرد که این فایل‌های صوتی توسط خائنان داخلی با حمایت ایالات متحده برای

1 . Kamal Qelichudaraoglu

سرنگونی دولت و تبدیل ترکیه به دست نشانده آمریکا ساخته شده است این بار ایالات متحده آمریکا آشکارا به عنوان حامی و همدست معرفی شد و اردوغان تهدید کرد که فرانسس ریکاردون<sup>۱</sup> سفیر آمریکا در ترکیه را به کشورش باز می‌گرداند. (Türk, 2018: 150-168)؛ (Lancaster, 2014: 1684).

بر این اساس این افشاگری‌ها موضع سرسخت حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان را به نقطه اوج خود رساند به طوری که در دسامبر، ۲۰۱۴ فتح‌الله گولن رسماً به عنوان سردمدار یک گروه تروریستی که درصدد ایجاد یک «دولت موازی» است، معرفی گردید و راه برای دستگیری و محاکمه وابستگان به او از جمله سردبیران روزنامه‌ها به جرم فعالیت تروریستی باز شد. (اسپوزیتو و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۱)؛ (یاووز، ۱۳۹۲: ۲۲۶)؛ (Özbudun, 2014: 164).

### ۳-۱- ناکامی در انتخابات ۲۰۱۵

«پیروزی تلخ» حزب عدالت و توسعه در بیست و پنجمین انتخابات سراسری ترکیه در ۷ ژوئن ۲۰۱۵ چالش مهم دیگری برای دولت اردوغان بود. چرا که این انتخابات نتوانست وضعیت حزب حاکم و آرایش احزاب برای تشکیل دولت در پارلمان را مشخص نماید. در واقع حزب عدالت و توسعه نه تنها به دو سوم آرای مورد نیاز برای تصویب طرح تغییر نظام سیاسی ترکیه در پارلمان ترکیه و ۶۰ درصد آرای مورد نیاز برای پیشنهاد رفراندوم برای این کار دست نیافت، بلکه اکثریت پارلمان را نیز از دست داد و توانایی این حزب برای تشکیل دولت در هاله‌ای از ابهام فرو رفت.

با شمارش آراء انتخابات پارلمانی ترکیه، حزب عدالت و توسعه با ۲۵۸ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمانی در صدر قرار گرفت. بر اساس این گزارش، حزب جمهوری‌خواه خلق با ۱۳۲ کرسی در رتبه دوم، حزب جنبش ملی با ۸۱ کرسی در رتبه سوم و حزب دموکراتیک خلق‌ها با ۷۹ کرسی در رتبه چهارم قرار گرفت تا به این ترتیب پارلمان جدید ترکیه میزبان ۴ حزب از ۲۰ حزب شرکت‌کننده در انتخابات ۷ ژوئن باشد. با اعلام نتایج نهایی انتخابات پارلمانی ترکیه، مشخص شد که حزب دموکراتیک خلق‌ها که نماینده‌گُردها به شمار می‌رود، موفق شد، با کسب ۱۱ درصد آراء سرانجام موجب ورود گُردها به پارلمان شود. حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۱۱ با کسب ۳۲۷ کرسی حدود ۵۰ درصد آرا را کسب کرده بود اما در انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵، ناگزیر شد کاهش نزدیک به ۹ درصدی اقبال عمومی را شاهد باشد (فارس نیوز، ۱۳۹۴).

1 . Francis Ricciardone

نظر به پیروزی‌های مکرر حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۱۳ سال اخیر ترکیه، انتظار می‌رفت که این حزب نتیجه انتخابات پارلمانی ۷ ژوئن را نیز به نفع خود تمام کند و یا در حالت بدبینانه این حزب بتواند با قبول مشارکت احزاب دیگر، دولت ائتلافی تشکیل دهد؛ اما تلاش این حزب برای تشکیل دولت ائتلافی در ترکیه به شکست انجامید و انتخابات زود هنگام پارلمانی ترکیه در ماه نوامبر ۲۰۱۵ بجای دولت ائتلافی در دستور کار حزب عدالت و توسعه قرار گرفت (خلج‌منفرد، ۱۳۹۵: ۸۷-۸۶). در این بین اردوغان برای ماندن در قدرت با بهره‌گیری از ناآرامی‌ها و خشونت‌های ایجاد شده پس از انتخابات و درگیری‌های شدید در مناطق کردی با تشویق ضمنی حملات خشونت‌آمیز علیه مخالفان خود توسط حامیان حزب عدالت و توسعه به تحریک احساسات ناسیونالیستی مردم پرداخت؛ که در نتیجه طغرل تورکش فرزند بنیان‌گذار حزب ناسیونالیستی حرکت ملی که از رهبران این حزب بود با اعلام شرایط حساس کشور از سمت خود استعفا داد و به حزب عدالت و توسعه پیوست و بدین ترتیب آرای طرفداران حزب حرکت ملی به رهبری «دولت باغچه‌لی» به سبب حزب عدالت و توسعه ریخته شد و در انتخابات پاییز ۲۰۱۵ بار دیگر این حزب با کسب ۴۹/۵ پیروز میدان گردید (Esen & Gümüşçü, 2016). بنابراین، شکست انتخاباتی سال ۲۰۱۵ با حداقل کاهش شدید حمایت از دولت اردوغان از دیگر عوامل و انگیزه‌های اردوغان جهت روی آوری به سیاست‌های پوپولیستی بوده است.

#### ۴-۱- کودتا

چهارمین و شاید بزرگ‌ترین چالش علیه حکومت اردوغان زمانی رخ داد که گروهی در ارتش و مرتبط با جنبش گولن به علت سیاست‌های اقتدارگرایانه اردوغان و فشارهای فراوان بر مخالفین داخلی به خصوص مقابله با جریان فتح‌الله گولن و تلاش برای دور کردن آن‌ها از کانون‌های قدرت در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ تحت عنوان حفاظت از دموکراسی و حقوق بشر اقدام به کودتا نموده تا قدرت را به دست گیرند؛ اما این کودتا دوام چندانی نیاورد و در ساعات آتی همان شب به دلیل حضور گسترده حامیان اردوغان در خیابان‌ها و مراکز حساس و عدم پشتیبانی بخش گسترده‌ای از احزاب و نظامیان از کودتاچیان به سرانجام نرسیده و شکست خورد. اردوغان از حامیان خود به صورت زنده از طریق اپلیکیشن فیس‌تایم دعوت کرد که برای مقاومت در برابر تلاش برای کودتا و دفاع از دموکراسی به خیابان‌ها بیایند و بار دیگر قدرت صندوق رأی در مقابل تانک‌ها به نمایش بگذارند

(Massicard, 2021). بدین ترتیب اردوغان ضمن بهره‌گیری از انگیزش‌های پوپولیستی به عنوان ابزاری برای بسیج توده مردم، به عنوان راهی برای ایجاد وحدت گروهی اعلام می‌کند که کودتا در برابر همبستگی و وحدت مردم شکست خورده است. او همواره با هدف قرار دادن دشمنان فرضی، (که یکی از حربه‌های رهبران پوپولیستی است) فتح‌الله گولن، رهبر مخالفان را که در تبعیدی خود خواسته از سال ۱۹۹۹ در آمریکا بسر می‌برد را به عنوان عامل پشت پرده کودتا معرفی می‌کند که سعی دارد با تشکیل یک دولت موازی اردوغان را سرنگون کند. اردوغان همچنین در یک گردهمایی در بورسا در اکتبر ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا را هدف قرار داده عنوان می‌کند: «اتحادیه اروپا با هر حيله‌ای همواره تلاش می‌کند ترکیه را از صندلی‌اش در این بلوک دور کند. ما به این وضعیت دیگر اجازه بقا نخواهیم داد.» (Zasztowt, 2016:8). با این حال آنچه تاکنون مشخص شده این است که کودتای شکست خورده، سازوکاری برای بسیج سیاسی به منظور مقابله با چنین بحران‌هایی بوده است.

#### ۵-۱- وضعیت اقتصاد

وخامت اوضاع اقتصادی را می‌توان جدی‌ترین چالش ترکیه در حال حاضر به شمار آورد. چرا که به واسطه عواملی چند؛ بحران اقتصادی جهانی، افزایش نرخ بهره از سوی فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) و اجرای سیاست حمایتی دولت ترامپ نسبت به دلار، سیاست خارجی تهاجمی ترکیه، برقراری تنش‌های مکرر در رابطه بین آمریکا و ترکیه در ۲۰۱۷، همه‌گیری کرونا و کاهش ورود گردشگران به ترکیه از ابتدای ۲۰۲۰ و در نتیجه کاهش درآمد ارزی این کشور از صنعت گردشگری، بدهکاری ارزی بالای دولت ترکیه و از همه مهم‌تر مداخله شخص رجب طیب اردوغان در سیاست‌گذاری بانک مرکزی و اصرار او بر پایین نگه داشتن «نرخ بهره» عواملی بودند که مشکلات اقتصادی را به وجود آورده و سقوط آزاد لیر را رقم زدند. به طوری که طی دهه گذشته لیر (پول ملی ترکیه) نزدیک به ۷۵ درصد ارزش خود را در برابر دلار از دست داده است آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد که سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور به خاطر سقوط ارزش لیر از ۱۲ هزار و ۶۰۰ دلار در سال ۲۰۱۳ به ۹ هزار و صد دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده است. (رادپو نشاط، ۱۴۰۱) نرخ تورم در پایتخت با افزایش سالانه به ۹۴.۱۹ درصد و ماهانه ۴.۰۳ درصدی در ژوئن ۲۰۲۲ به بالاترین میزان خود در ۲۴ سال گذشته رسید. منتقدان اردوغان، معتقدند در سه سال گذشته و در دوران تثبیت پایه‌های نظام سیاسی - اجرایی مورد نظر شخص رجب طیب اردوغان موسوم به نظام ریاستی، هر

سال از میزان سطح رفاه و قدرت خرید مردم ترکیه، به شکل محسوسی کاسته شده است. به طوری که در شرایط فعلی و در نیمه سال ۲۰۲۲ میلادی، بسیاری از مردم این کشور، زیر خط فقر قرار گرفته‌اند. به گفته مخالفان اردوغان، عمده‌ترین دلیل بروز تورم و سقوط ارزش پول ملی این کشور دست‌کاری‌ها و دخالت‌های دولت در امور اقتصادی و سیاست‌های پولی و مالی خارج از چارچوب‌های منطقی است، به طوری که این اعتقاد وجود دارد، دو سوم علت نابسامانی‌های اقتصادی کنونی ترکیه، ناشی از تأثیرات این دخالت‌ها و دست‌کاری‌ها است، گروه دیگر اما معتقدند که سیاست خارجی ترکیه و تحرکات منطقه‌ای رجب طیب اردوغان، به این وضعیت دامن زده است. نظرسنجی متروپل ریسرچ هم نشان می‌دهد که میزان مقبولیت اردوغان که ۱۹ سال سر کار بوده و تا یک سال دیگر باید با انتخابات روبه‌رو شود، به ۳۸.۶ درصد رسیده است؛ یعنی کمترین میزان از سال ۲۰۱۵ تاکنون. مهم‌تر آنکه در این نظرسنجی‌ها، میزان محبوبیت اردوغان از سه چهره اصلی که رقبای احتمالی او در سال ۲۰۲۳ خواهند بود، هم کمتر است (Mdeast.news, 2022).

بنابراین اردوغان در واکنش به بحران‌های اقتصادی چند سال اخیر ترکیه، با بهره‌گیری از سیاست قطبی‌سازی، بارها نرخ بهره را «شیطان» معرفی کرده و معتقد است با کاهش نرخ بهره، نرخ تورم نیز کاهش خواهد یافت. این نگاه اردوغان باعث شده است که علاوه بر تغییرات پی‌درپی روسای کل بانک مرکزی ترکیه، معاونان این نهاد نیز مرتب تغییر کنند. گرچه رجب طیب اردوغان، در تبیین نظر خود پیرامون بهره بانکی از نص صریح قرآن کریم در حرمت ربا بهره می‌گیرد، ولی به نظر می‌رسد این رویکرد بیشتر نمایشی برای جلب نظر طبقه دین‌دار در ترکیه باشد و اساس مخالفت اردوغان با بهره بانکی، نگاه اقتصادی وی و مبارزه با صاحبان پول‌های داغ خارجی است که بیشترشان مخالف اردوغان هستند. او همچنین در جدیدترین اظهارنظر خود اعلام کرد که باید با الگو گرفتن از چین به سمت بهبود تولید حرکت کنیم. «باید مانند چین رفتار کنیم، تولید و صادرات کالای ارزان راه نجات ترکیه است»، این سخنان جدید اردوغان در توضیح سیاست اقتصادی مدنظرش است. سیاستی که از آن به عنوان «سیاست نجات ملی» برای اقتصاد یاد می‌کند در راستای رهایی از وابستگی مبارزه با دخالت‌های بیگانگان برای تضعیف پول ملی و ایجاد فضای رسانه‌ای القایی و توأم با خطا دانسته و شرایط کنونی کشور را به دوران اشغال شدن کشور توسط کشورهای بیگانه در اواخر دوران امپراتوری عثمانی و مبارزه ملی در اوایل دوران جمهوریت تشبیه کرد. «ما به‌راستی جنگ رهایی‌بخش اقتصادی با موفقیت ادامه می‌دهیم. بهره بانکی باعث می‌شود ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شوند

در کاهش تورم باری دیگر کامیاب خواهیم شد همان‌طور که وقتی به قدرت رسیدم، توانستم تورم دو رقمی را کاهش دهم. به راه خودمان ادامه می‌دهیم و ملت خود را زیر ذره‌ای دشواری و نابسامانی تنها نخواهیم گذاشت. امیدوارم هر چه زودتر تورم کاهش یابد. علت تورم در کشورمان سوده‌های بانکی است» (گلکاریان، ۱۴۰۰). اگرچه اردوغان، مشکلات اقتصادی این کشور را به گردن خارجی‌ها همچون؛ «لابی نرخ بهره»، سی.آی. آی، صهیونیست‌ها، غرب، جورج سوروس میلیاردر بشردوست و حامیان آنان می‌اندازد، با این حال بسیاری در ترکیه سیاست‌های او را مهم‌ترین علت شکل گرفتن وضعیت کنونی می‌دانند.

## ۲- وضعیت خارجی بازیگر سیاسی

با استناد به دیدگاه رابرت بار که "بیگانه سیاسی" را سیاست‌مداری می‌داند که خارج از نظام حزبی مستقر به قدرت رسیده است، بنا به دلایلی اردوغان را می‌توان نسبت به شبکه ریشه‌دار قدرت، یک فرد خارجی یا بیگانه سیاسی به شمار آورد. او هنوز هم اغلب به مطلبی که در زمان محکومیتش در مورد او نوشته شده بود اشاره می‌کند. در تیتراژ این مطلب ادعا شده بود که؛ «اردوغان هرگز نمی‌تواند انتخاب شود، حتی به عنوان یک کلانتر یا کدخدا» اردوغان طی سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۱۵ بیش از ۵۰ جلسه با کدخداها برگزار کرد و سخنرانی خود را با یادآوری این تیتراژ آغاز کرد. آیتاک<sup>۱</sup> و اونیس<sup>۲</sup>، نیز اردوغان را به عنوان یک فرد مغرور طبقه‌بندی کرده و به این اشاره می‌کنند که او خارج از حزبی که شناخته شد به قدرت رسید (Aytaç & Öniş, 2014:41-59).

در این راستا نخستین مسئله‌ای که باید بدان توجه کرد این است که اردوغان از احزابی خارج از تشکیلات سیاسی به قدرت رسیده است. چرا که او در (حزب رفاه)<sup>۳</sup> که حزبی زیر چتر جنبش (نگرش ملی)<sup>۴</sup> بود، شناخته شد. این جنبش اسلامی و فوق‌محافظة‌کار، تحت رهبری نجم‌الدین اربکان متشکل از شش حزب بود که بر نظم اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اصول اسلام تأکید می‌کرد و هدف رهبران آن احیای ارزش‌ها و نهادهای اسلامی بود. غیرقانونی اعلام کردن و خاتمه دادن به فعالیت‌های احزاب اسلام‌گرایانه، پرده از فشارهای ناشی از جنگ قدرت مستمر و بی‌پایان میان حامیان

1 . Aitak

2 . Onis

3 . Refah Partisi

4 . Milli Görüş

سکولاریسم و جریان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا برداشت و در نتیجه باعث شهرت اردوغان شد (Atacan, 2005: 188-194); (Yavuz, 2003: 208); بنابراین در مقایسه با نهادهای «دولت عمیق» ترکیه مانند ارتش و قوه قضائیه و احزاب قدیمی که خود را حامی سکولاریسم و ناسیونالیسم ایدئولوژی دولتی می‌دانند، جنبش نگرش ملی و همچنین حزب عدالت و توسعه، نماینده یک ایدئولوژی پیرامونی به شمار می‌رود. از این رو طبقه‌بندی اردوغان به عنوان یک بیگانه یا بازیگر سیاسی خارج از نظام سیاسی مستقر یا شبکه و تویی قدرت، توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد.

مسئله بعدی این است که کودتای نظامی که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ رخ داد، اردوغان را تا زمان تشکیل حزب رفاه توسط اربکان در سال ۱۹۸۳ از عرصه سیاسی دور کرد به طوری که در طول دهه ۱۹۹۰، او بخشی از «جریان اصلی» جامعه سیاسی نبود. اگرچه اردوغان در مارس ۱۹۹۴ از جانب حزب رفاه موفق شد در انتخابات شهرداری استانبول به پیروزی دست یابد و به عنوان شهردار استانبول فعالیت کند اما بعدها به دلیل خواندن شعری از ضیا گوکالپ<sup>۱</sup> در یک راهپیمایی جمعی به دلیل لحن ضد سکولاریستی خود از مناصب سیاسی محروم گشت و به دلیل اتهام تحریک به نفرت مذهبی به مدت چهار ماه زندانی شد. در ژوئیه ۲۰۰۱ بود که دادگاه قانون اساسی به او اجازه داد به سیاست بازگردد. در این بین اردوغان نگرش ملی را ترک کرد و در ۱۴ اگوست حزب عدالت و توسعه را با گروهی از دوستان خود تأسیس کرده و ریاست آن را بر عهده گرفت (شبکه العالم، ۱۳۹۳).

از آنجا که فضای سیاسی ترکیه سال‌ها است که شاهد تقابل و منازعه دامنه‌دار لائیسیم و اسلام‌گرایی است. در این میان لائیک‌ها همواره تلاش کرده‌اند تا با استفاده از تمام ابزارهای فشار قانونی و غیرقانونی، فرصت و امکان رشد و قدرت‌یابی را از جبهه اسلام‌گرایی سلب کرده و عرصه را بر این جریان رو به توسعه تنگ سازند. برای نمونه، شکایت دادستان کل ترکیه در سال ۲۰۰۷ از حزب عدالت و توسعه به دادگاه قانون اساسی این کشور و درخواست انحلال آن به اتهام نقض اصول لائیسیم و ضربه زدن به این اصل اساسی که بعد از روی کار آمدن آتاتورک در سال ۱۹۲۳ آخرین تیری بود که از سوی لائیک‌ها به اردوگاه اسلام‌گرایان پرتاب شد تا بلکه با انحلال این حزب قدرتمند، کندی یا وقفه‌ای در جریان پرشتاب اسلام‌گرایی به وجود آید. در همان سال، ارتش با انتشار بیانیه تند که خطاب آن به دولت حاکم بود نسبت به هرگونه تهدید سکولاریسم و قانون اساسی ترکیه هشدار داده و با نامزدی عبدالله گل برای ریاست جمهوری که همسرش روسری بر سر دارد، مخالفت

1 . Zia Gokalp



کرد. از آنجا که رئیس‌جمهور در نظام لائیک ترکیه همواره به عنوان نماد و سمبل حاکمیت سکولار تعریف شده، تصور ورود یک رئیس‌جمهور مسلمان به همراه همسر محجبه خود به کاخ ریاست جمهوری بیش از هر چیز برای سکولارهای ترک غیرقابل تحمل بود. بدین ترتیب با اعلام رأی دادگاه قانون اساسی ترکیه مبنی بر ابطال اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری، عبدالله گل نامزد اسلام‌گرایان نیز تحت فشار لائیک‌ها از نامزدی در انتخابات انصراف داد.

بی‌تردید چالش اصلی اردوغان واقعیتی است که او آن را «الیگارشی بوروکراتیک متشکل از نیروهای نظامی و قضایی» می‌خواند که خود را نگهبان سکولاریسم و ناسیونالیسم دانسته و برای جمهوری مدرنی که آتاتورک تأسیس کرد، ضروری می‌دانست؛ بنابراین، آن‌ها به شدت با جنبش‌های سیاسی با تبار اسلام‌گرا مخالف بودند (زکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱)؛ (soyler, 2013). بدین ترتیب به طور قانع‌کننده‌ای می‌توان گفت که اردوغان بیگانه‌ای است که خارج از تشکیلات سیاسی و در مقابل آن به قدرت رسیده است.

### ۳- بهره‌گیری از جذابیت ضد تشکیلات

چنانچه در بحث نظری اشاره شد یکی دیگر از معیارهای ارائه شده از سوی نظریه‌پردازان پوپولیسم به مثابه استراتژی سیاسی، بهره‌جستن از جذابیت ضد تشکیلات و نهادهای سیاسی مستقر و ریشه‌دار توسط رهبر پوپولیست است. به عقیده رابرت بار، بیگانه بودن رهبر پوپولیست را قادر می‌سازد تا از جاذبه‌های «ضد استقرار» قانع‌کننده بهره‌گیرد. اردوغان نیز در سال‌های اولیه قدرت خود، از لفاظی‌های ضد نظام استفاده کرد و توانست در طول مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۲ به‌طور مؤثری به اهرم جذابیت ضد نظام متوسل شود. او در راهپیمایی‌های خود با مردم، جامعه را به دو دسته تقسیم کرده و از «نخبگان» انتقاد می‌کرد. اردوغان با اشاره به پیشینه اجتماعی-اقتصادی ضعیف خود، خود را «مرد مردم»، «تُرک سیاه‌پوست» معرفی می‌کرد و مدعی بود که همه گروه‌های محروم را نمایندگی می‌کند: حکایت من حکایت این قوم است. یا مردم پیروز خواهند شد و به قدرت خواهند رسید، یا اقلیت مدعی و سرکوبگر که از واقعیت آناتولی بیگانه شده‌اند و با تحقیر به آن نگاه می‌کنند در قدرت باقی خواهند ماند. اختیار تصمیم‌گیری در این مورد متعلق به مردم است. بس است، حاکمیت متعلق به مردم است (Yabancı, 2016) (Taş, 2015) (Dinçşahin, 2012). بدین ترتیب گفتمان ضد نظام در لفاظی‌های اردوغان با اتهاماتی به ارتش، رئیس‌جمهور، حزب جمهوری‌خواه خلق

و دادگاه قانون اساسی به عنوان بخشی از «نخبگان» در مقابل «مردم» به نمایندگی از حزب عدالت و توسعه غالب شد.

با توجه به تهدیدی که از سوی نخبگان یا نهادهای وتویی قدرت، چون دستگاه قضایی و ارتش احساس می‌شد و از آنجا که هدف اصلی اردوغان بقا بود، در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود، به جای حملات به نخبگان قدیمی، استراتژی تدافعی اتخاذ کرد. هسته اصلی این استراتژی، اتحاد اردوغان با اتحادیه اروپا بود که او را در داخل و خارج مشروعیت می‌بخشید و به او اجازه می‌داد تا بدون توسل به استراتژی‌های خطرناک همه‌پرسی با تشکیلات بجنگد و دولت‌ش را در برابر هرگونه مداخله رادیکال دولت کمالیست سپر کند. از این‌رو اردوغان تحت حمایت اتحادیه اروپا، اصلاحات بی‌سابقه‌ای را تصویب کرد که باعث تضعیف ارتش، افزایش تعداد اعضای غیرنظامی در شورای امنیت ملی، کاهش دفعات جلسات آن و تنزل تصمیمات آن به توصیه‌های ساده شد. (Taspinar, 2012: 13).

اما از سال ۲۰۰۵ روند الحاق به اتحادیه اروپا پویایی خود را از دست داد و اردوغان را مجبور به عقب‌نشینی از بسیاری از اصلاحات کرد به طوری که از سال ۲۰۰۸ مجموعه‌ای از پرونده‌های قضایی منجر به دستگیری بی‌سابقه ژنرال‌های بازنشسته، قضات، دادستان‌ها، روزنامه‌نگاران، بازرگانان و غیره شد؛ زیرا بر اساس اتهامات وارده، آن‌ها متعلق به سازمان ارگنه‌کن<sup>۱</sup> بودند که هدف آن کودتا علیه سازمان بود (Taş, 2015). همچنین در سال ۲۰۰۹، به دلیل شایعاتی در مورد بسته شدن پرونده دیگری علیه حزب عدالت و توسعه، توسط نهادهای قضایی، اردوغان تصمیم گرفت تا با اصلاحات قضایی به این شاخه حیاتی دولت حمله کند

(Kalaycıoğlu, 2011:272- 274). این اصلاحات ابتدا در پارلمان توسط اکثریت حزب عدالت و توسعه به رأی گذاشته شد و سپس در مرحله بعد به همه‌پرسی واگذار گردید. بدین ترتیب اردوغان دوباره از یک جاذبه پوپولیستی ضد نخبگان استقرار استفاده کرد و جامعه را بین «مردم» حامی اصلاحات و «نخبگان» مخالف آن تقسیم نمود. اردوغان بدین‌گونه از اصلاحات به عنوان ابزاری جدید برای توانمندسازی ملت و پاسخگو کردن سکولارها استفاده کرد (Dinçşahin, 2012). در واقع اردوغان از «اراده ملی» به صورت یک آنتی‌تز «ضدیت با ملت» جهت مقابله با تهدیدهای نهادهای قضایی و نظامی بهره برد. در اصل با تکیه بر همین ترنند بود که در سال ۲۰۰۷، در مقابل کودتای احتمالی و اختطاریه‌های نظامیان ایستادگی و ارتش را منفعل کرد (Bora, 2017:479).

شایان ذکر است که اردوغان همواره از اصلاحات به عنوان ابزاری برای به حاشیه راندن رقبای داخلی خود نیز بهره گرفته است. او پس از اینکه نقشه‌های مختلف نظامیان را برای کودتا خنثی کرد، در سال ۲۰۱۰ اصلاح قانون اساسی را به دلیل اینکه توسط نظامیان تدوین شده بود اختیارات ویژه‌ای را برای نظامیان و کودتاچیان در نظر گرفته بود، یک نیاز حیاتی و اقدام قاطع در جهت کم کردن نقش نظامیان در امور سیاسی دانست. بدین منظور در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰، ماده ۲۶ از مواد قانون اساسی ترکیه به همه‌پرسی عمومی گذاشته شد بر اساس این اصلاحات، در ساختار نظام قضایی و نظامی تغییراتی صورت گرفت که به کاهش قدرت نیروهای سکولار و نظامی انجامید. بدین ترتیب اردوغان طی چند سال با اصلاح قانون اساسی، ساختار شورای امنیت ملی، خنثی کردن کودتاهای ارگنکون، بالیوز و ... توانست نفوذ ارتش و نظامیان را در امور سیاسی مسدود کند (به نقل از قانون اساسی ترکیه قبل و بعد از اصلاحات ۲۰۱۰).

لازم به توضیح است که پس از اعتراضات گزی در سال ۲۰۱۳، پوپولیسیم حزب عدالت و توسعه شکل جدیدی به خود گرفت و از لفاظی ساده مردم علیه نخبگان فراتر رفت چرا که اردوغان تضاد لازم برای تداوم قدرت را به جامعه مدنی منتقل کرد. در این دوره اردوغان نهادهای دولتی را به طور سیستماتیک و مکرر علیه مخالفان مستقر کرده و گفتمان او لحن ملی‌گرایانه‌تر و دولت‌گرایانه‌تر و همچنین تفرقه‌انگیزتر و خصمانه‌تر پیدا کرده است. او لیبرال‌ها، چپ‌گرایان و کردها را دست‌نشانده غربی‌ها می‌داند و هر کسی را که مخالف حکومت او باشد هدف قرار داده و بسیاری از حامیان سابق (عبدالله گل، رئیس‌جمهور و بولنت آرینچ، رئیس سابق پارلمان) را از خود دور کرده است. به طوری که در روزنامه دیلی ملت از عبدالله گل به عنوان «گولیزابت» و دست‌نشانده بریتانیا و در روزنامه دیگر از داود اوغلو به عنوان خیانتکار یاد شده است (Akyol, 2016). همچنین اخیراً اردوغان در یک سخنرانی در جمع هواداران با بیان اینکه: «این پروفیسور موروفسورها کیستند و چرا این همه لاف‌های بی‌قاعده و بی‌منطق می‌زنند!»، درصدد تضعیف مشروعیت نخبگان و روشنفکران سیاسی در نزد مردم بوده است (odatv, 2019/02/15)؛ بدین ترتیب اردوغان در حال حاضر از هر دشمنی استفاده می‌کند و خود را به عنوان منجی و محافظ کشور در برابر دشمنان نشان می‌دهد.

#### ۴- پیوندهای شخصی

از آنجا که به عقیده رابرت بار، پیوند «همه‌پرسی» ناگزیر به دلیل ماهیت قطبی‌کننده‌اش، رهبری

شخصی ایجاد می‌کند بنابراین، می‌توان استدلال کرد که پیوندهای همه‌پرسی و رهبری شخصی نیز در مورد اردوغان صدق می‌کند، چرا که در ترکیه پس از پیروزی اردوغان و حزبش در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲، چهار انتخابات محلی (به جز انتخابات محلی استانبول مجدد در سال ۲۰۱۹)، پنج انتخابات پارلمانی، دو انتخابات ریاست‌جمهوری و سه همه‌پرسی برگزار شده است. در مجموع، در هفده سال، چهارده رأی عمومی وجود داشته است که اردوغان از آن‌ها به عنوان استراتژی برای تحکیم قدرت و ارتباط مستقیم با مردم استفاده کرده است در واقع اردوغان با داشتن یک پایگاه انتخاباتی قوی از سال ۲۰۰۲ که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد آرا را به خود اختصاص داده، موفق شده است که اراده مردمی را با طول عمر قابل توجهی تجسم بخشد. این حمایت گسترده به حزب او این امکان را داده است که تغییرات اساسی در توازن نهادی ایجاد و زمینه‌های پرخش دموکراسی حزبی به سمت اقتدارگرایی فردی را فراهم آورد. در بقیه دهه، به استثنای سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۲، ترکیه هر سال یک یا دو انتخابات برگزار می‌کرد و یک همه‌پرسی برای اصلاح قانون اساسی برگزار می‌کرد تا سیستم پارلمانی بتواند به یک نظام ریاست‌جمهوری شخصی تبدیل شود (Rami, 2019: 124).

این روند نشان می‌دهد که چگونه پیوندهای مبتنی بر همه‌پرسی موجب ظهور یک رهبر شخصی شده است. جدای از چنین تقسیم دوگانه‌ای در مورد شخصیت اردوغان، جنبه‌های دیگری از «کیش شخصیت» یا شخصیت‌گرایی وجود دارد که او به شدت واجد آن‌ها است. اردوغان تقریباً از سال ۲۰۱۰ با اشاره و دفاع از نظام جمهوری، از «حاکمیت واحد ملت - دولت» و گاهی از یک جمهوری ترک سخن می‌گفت که در رأس آن یک رهبر-رئیس قدرتمند قرار دارد. در واقع هدف اردوغان از این تدابیر خنثی کردن برخی موانع در برابر اختیارات رئیس‌جمهور بود. در اصل از سال ۲۰۱۱ اردوغان از طرف حامیان و دلباختگانش به نوعی یک «کیش شخصیت» مبدل گشت، به طوری که او را با القاب خاصی مانند «رئیس»، صدا می‌زنند که عموماً در ترکی برای کاپیتان‌ها استفاده می‌شود.

همچنین «مرد ملت» واژه مدح گونه‌ای است که از سوی طرفداران اردوغان به وی نسبت داده شده است. چرا که در تاریخ نوین ترکیه، اردوغان اولین رئیس‌جمهوری است که بعد از اصلاحات قانون اساسی ۲۰۰۷ به عنوان رئیس‌جمهور منتخب مردم به صورت مستقیم انتخاب شده است؛ بنابراین، اردوغان به عنوان مرد ملت، در حقیقت با اراده مستقیم ملت ترکیه انتخاب شده و به تنهایی نشان‌دهنده اراده ملی این کشور است. با این حال، اقتدار حاکم همچنان مشروعیت خود را بر نمایندگی اراده مردم تثبیت می‌کند: رئیس‌جمهور قادر مطلق است اما اکنون با رأی مستقیم انتخاب

می‌شود. زمانی که چنین بازنمایی مقدس‌مآبانه‌ای از اردوغان در صحنه داخلی ترکیه ترسیم و تصویرپردازی می‌شود، انتقاد از وی به هر نحوی جرم محسوب می‌گردد. به همین دلیل است که از زمان ریاست‌جمهوری اردوغان و تا قبل از وقوع کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶، صدها پرونده دادگاهی علیه اهانت‌کنندگان تشکیل داده شد؛ به گونه‌ای که عبارت «نفرت از اردوغان» به یک «مدخل جرم» مبدل گشت (چاغانپتای، ۱۳۹۷: ۲۲۵) (Karagül, 2016) (Bora, 2017: 503- 504) (Oktay & Ertan, 2004: 782).

افزون بر این، تمرکز قدرت در دستان اردوغان نه تنها در مورد قدرت دولتی بلکه در خصوص رهبری حزب عدالت و توسعه را می‌توان نمادی دیگر از کیش شخصیت یا پیوندهای شخصی اردوغان با پیروانش دانست. اردوغان از اواخر دهه ۲۰۱۰ پایه‌های اقتدار خود را با دور کردن تدریجی مخالفین داخلی از قدرت و تضعیف پایگاه‌ها و نهادهای حامی قدرت کمالیست‌ها در ترکیه از جمله ارتش و قوه قضائیه مستحکم کرد و کانون‌های قدرت این کشور را به طور کامل در اختیار گرفت. او حتی اعضاء پیشین و قدرتمند حزب مانند «عبدالله گل» و «احمد داوداگلو» را با این بهانه که وی را به چالش می‌کشند از ساختار و کادر حزب عدالت و توسعه به تدریج کنار گذاشت و در مقام رهبری حزب باقی مانده و در تمامی کارزارهای انتخاباتی و تبلیغاتی حزب شرکت می‌کند. در این راستا تا<sup>۱</sup> ادعا می‌کند که حکومت یک نفره حزب عدالت و توسعه از اوایل سال ۲۰۱۲ آغاز شده است (جزایی، ۱۳۹۵: ۷۳) (Tas, 2015: 776).

در ادامه این روند، وقوع کودتای ۲۰۱۶ فرصتی تاریخی را برای اردوغان جهت تحکیم قدرت به وجود آورد چرا که اردوغان به دنبال ایجاد سلسله تغییرات بنیادین در نظام سیاسی ترکیه بود و از آنجا که برخی مؤلفه‌های دموکراتیک در این کشور مانند احزاب، جامعه‌مدنی و رسانه به آن اجازه نمی‌دادند از این‌رو در چنین شرایطی، وقوع کودتا به تعبیر خود اردوغان هدیه الهی بود که طی آن برای دستگیری و تعلیق فعالیت‌های برخی رسانه‌ها، سرکوب مخالفان و پاک‌سازی نهادهای دولتی دست به اخراج، محاکمه و بازنشسته کردن اجباری نظامیان و عوامل دخیل در کودتا زد. اتفاق مهم دیگری که می‌توانست به پاک‌سازی کامل نهادهای دولتی و قضایی ترکیه بینجامد تغییر و اصلاح در قانون اساسی و تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی بود که زمینه‌های تثبیت قدرت حزب عدالت و توسعه در سپهر سیاسی و اجتماعی ترکیه را به نحو بی‌سابقه‌ای تشدید کرد (Yayla, 2016)

1 . Taş

(ÖzÇelik, 2017: 9)(Al Jazeera, July 27, 2016).

بنابراین رویکرد ضد نهادینگی، ماهیت حزبی متصلب و الیگارشیک، ساختار سیاسی ترکیبی، دستکاری غیردموکراتیک قانون اساسی، محدودیت جامعه مدنی، بهره‌مندی از روش همه‌پرسی برای تغییر و تصویب قوانین و موضوعات مهم، استفاده از وضعیت اضطراری و حکم‌های حکومتی و فراقانونی، به دموکراسی تفویضی و شبه اقتدارگرا با محوریت شخص اردوغان در ترکیه منجر شده است.

## ۵- بسیج سازمان نیافته

در تحلیل ویژگی‌های سازمانی پوپولیسم در شیوه حکمرانی اردوغان و حزب عدالت و توسعه باید عنوان کرد که اردوغان انواع مختلفی از شیوه‌های بسیج را به‌طور هم‌زمان به کار گرفته است. با این حال طی سال‌های ۲۰۱۳ به این سو، اشکال سازمان نیافته بسیج توده‌ها به ابزار مهمی در راستای تحکیم و حفظ قدرت دولت اردوغان بدل گردید.

یکی از این شیوه‌ها، ارتباط مستقیم و بدون واسطه با مردم است. او در تمام دوران حکومتش با حضور مستمر خود در تلویزیون و رسانه‌ها و سخنرانی‌های تقریباً روزانه رابطه مستقیم و بدون واسطه خود را با توده‌ها حفظ کرده و بخش عمده‌ای از قدرت و اقتدار خود را از صندوق رأی و توان بالای خود در برقراری ارتباط با توده‌های مردم و جلب حمایت آن‌ها می‌گیرد. عنصر غافلگیری را نیز می‌توان یکی دیگر از استراتژی‌هایی دانست که اردوغان از آن برای بسیج توده‌ای به شیوه‌ای بسیار موفق در مقابله با بحران‌ها استفاده می‌کند. برای نمونه؛ تصمیم برای برگزاری انتخابات زود هنگام در بحران سال ۲۰۰۷، استفاده از کارت سازماندهی تجمعات جایگزین در سال ۲۰۱۳ علیه معترضان پارک گزی، درخواست از مردم برای حضور در خیابان‌ها در سال ۲۰۱۶ (Turk, 2018: 10).

و احساسات عمومی (گروه در ملاً عام) استراتژی دیگری است که اردوغان از آن برای مشروعیت بخشیدن و برانگیختن خشم و تشویق بسیج سیاسی در حمایت از خود بهره می‌گیرد چرا که خشم مشارکت سیاسی را تقویت می‌کند و حمایت از سیاست‌های تنبیهی و تهاجمی را افزایش می‌دهد. از این رو اکثر گروه‌های اردوغان پس از اعتراضات گزی را می‌توان نمایش خشم علیه عاملان بی‌عدالتی دانست. او با چشمانی اشک‌بار در تلویزیون زنده و در حال تماشای صحنه‌هایی از بیماران رنج دیده در بیمارستان‌های قدیمی ترکیه، در زمان اعتراضات گزی اظهار داشت: این اشک‌ها به خاطر خشم من است. ما همه مسلمان هستیم و به خدا ایمان داریم. خدا با ماست و از کسی جز خدا نمی‌ترسیم. تا

امروز با ما بازی کردند. خدای من می‌تواند آن‌ها را گرفتار و غافلگیر کند (Aslan, 2021:14).

همچنین اردوغان به عنوان یک رهبر پوپولیست تلاش می‌کند تا با استفاده از مفهوم «اراده ملی» رابطه سیاسی بین خود و توده‌ها را همچون یک رابطه شخصی و مقدس بسازد. این رابطه بر اساس واژه کلیدی اردوغان «Milli İrade» است که به طور خلاصه می‌توان آن را دیدگاهی اکثریتی در مورد دموکراسی توصیف کرد. «اراده ملی» به عنوان یک رسانه بسیج توده‌ای عمل می‌کند. او در پایان بسیاری از سخنرانی‌ها، متن آهنگ معروفی به نام «بانا هر شی سیزی هاتیرلاتیور» را می‌خواند که داستان باهم بودن رهبر و مردمش را در رویارویی مصیبت‌هایی که با آن روبرو بوده‌اند را روایت می‌کند. او با مردم به صورت مشترک به عنوان «یکی از آن‌ها» ارتباط برقرار می‌کند. بدین ترتیب در طول بحران‌های سیاسی ۲۰۰۷، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶، این رابطه بین اردوغان و رأی‌دهندگانش بود که به عنوان یک رسانه بسیج توده‌ای غلبه بر چالش‌ها را ممکن کرد (Turk, 2018:10).

یکی دیگر از موفقیت‌های اردوغان در بسیج توده‌ها متکی بر نمایش خود به عنوان شهروندی فقیر، ضدغرب و ضدنخبگان بود. پیشینه مشترک با جامعه بزرگتر به تقویت رابطه رهبر با پیروانشان و همچنین افزایش جذابیت رهبران کمک می‌کند و از آنجا که اردوغان در قاسم پاشا، محله‌ای از طبقه متوسط پایین در استانبول به دنیا آمده بود، پیشینه اقتصادی-اجتماعی اردوغان به وضوح او را از مدرنیسم کمالیستی و به ویژه از طبقه متوسط سکولار و غرب‌گرای جامعه جدا کرد و موجب شد تا ارتباط بهتری با بخش‌های اقتصادی فرودست جامعه به عبارت دیگر توده‌ها برقرار سازد (Donmez, Kasim, & Armagan, 2020:159).

ایجاد تشکل‌های کارگری وابسته، استراتژی دیگری است که اردوغان از آن در بسیج توده‌ها استفاده می‌کند. با توجه به این‌که در ترکیه سازمان‌های کارگری به طور سنتی از زمان کودتای ۱۹۸۰ ضعیف و شکننده هستند، اردوغان به جای تکیه بر سایر اشکال سازمانی، اقدام به ایجاد سازمان‌ها و کنفدراسیون‌های وابسته کارگری و انجمن‌هایی برای مسائل زنان می‌کند. علاوه بر موارد گفته شده حزب عدالت و توسعه خود نمونه بسیار خوبی از سازماندهی حزبی توده‌ای است. به طوری که این حزب یک سازمان عظیم تقریباً با ده میلیون عضو و دفاتر متعدد در سراسر کشور تشکیل می‌دهد. بر اساس گزارش دادستانی کل ترکیه تا تاریخ ژوئیه ۲۰۱۹، ۹ میلیون و ۹۳۱ هزار و ۱۰۳ عضو برای حزب عدالت و توسعه ثبت نام کرده‌اند. در واقع، اردوغان یک پایگاه حزبی را فرماندهی می‌کند که او را قادر می‌سازد تا از آن، هم در فعالیت‌های مربوط به انتخابات و هم به عنوان یک نیروی ذخیره که

می‌تواند در خیابان‌ها علیه مخالفان بسیج شود استفاده کند (مانند بسیج توده‌ای بی‌سابقه در شب ۱۵ جولای ۲۰۱۶ که موجب شکست کودتای ارتش شد) (Castaldo, 2018: 479)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بسیج غیرسازمان‌یافته، همان طور که در مورد اردوغان و حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهد می‌تواند به مثابه بسیج توده‌ای در راستای اهداف استراتژیک بهره‌برداری شود.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی بود که در یک دهه اخیر علت گرایش اردوغان به سیاست‌های پوپولیستی چه بوده است و اردوغان چگونه از پوپولیسم در راستای تأمین اهداف خود بهره گرفته است؟ برای آزمون فرضیه پژوهش، از رویکرد پوپولیسم به مثابه «استراتژی سیاسی» به ویژه نظریات کورت ویلند، کنت رابرتز و رابرت بار، دلاتوره و... بهره گرفتیم و تلاش گردید سیاست‌های اردوغان در یک دهه اخیر بر پایه ۵ مؤلفه (۱) اهداف استراتژیک پوپولیستی (۲) وضعیت خارجی بازیگر سیاسی (۳) استفاده از جذابیت ضد تشکیلات مستقر قدیمی (۴) پیوند شخصی (۵) بسیج سازمان‌نیافته، تبیین گردد. یافته‌های پژوهش نشان داد که در وهله نخست، شرایط و زمینه‌های لازم برای گرایش اردوغان به پوپولیسم وجود داشت بدین معنا که اردوغان از سال ۲۰۱۳ با چالش‌های بزرگ داخلی و خارجی روبرو گردید که موقعیت وی را در قدرت تهدید می‌کرد از این رو اردوغان را به استفاده از یک استراتژی پوپولیستی برای حفظ قدرت خود سوق داد. بر پایه مؤلفه دوم اردوغان را باید بیگانه‌ای دانست که خارج از نظام حزبی مستقر به قدرت رسیده است چراکه در مقایسه با دولت عمیق «شبه‌خودمختار» یا همان مرکز قدرت قدیم در ترکیه (ارتش، قوه قضاییه و...) که حامی نظام سکولار کمالیستی و ناسیونالیسم ایدئولوژی دولتی محسوب می‌شد، اردوغان در حزب رفا شناخته شد حزبی که هدف رهبران آن احیای ارزش‌ها و نهادهای اسلامی بود.

افزون بر این، بیگانه بودن اردوغان را قادر ساخت تا از جاذبه‌های قانع‌کننده‌ای بر علیه الیگارشی حاکم بهره گیرد، بدین ترتیب در سال‌های اولیه قدرت خود، از لفاظی‌های ضد نظام برای جلب حمایت مردمی استفاده کرد و توانست در طول مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۲ به طور مؤثری به یک جذابیت ضد نظام متوسل شود. از این رو گفتمان ضد نظام در لفاظی‌های اردوغان در سال‌های اول حکومت با اتهاماتی به ارتش، رئیس‌جمهور، حزب جمهوری‌خواه خلق و دادگاه قانون اساسی و از



سال ۲۰۱۳ به بعد نیز به لیبرال‌ها، چپ‌گرایان، کردها، حامیان سابق و غرب به عنوان بخشی از «نخبگان/بیگانگان» در مقابل «مردم» به نمایندگی از حزب عدالت و توسعه غالب شد. در خصوص تقویت پیوندهای شخصی نیز، اردوغان پس از به قدرت رسیدن عمدتاً از ابزار همه‌پرسی و چهارده رأی عمومی توانست یک پایگاه انتخاباتی قوی برای خود به وجود آورده و از آن به عنوان استراتژی قابل اعتمادی برای تحکیم قدرت و ارتباط مستقیم با مردم استفاده کند و با تغییرات اساسی در توازن نهادی، اصول لیبرال-دموکراتیک را از بین ببرد. علاوه بر این اردوغان از اواخر سال ۲۰۱۰ با اشاره و دفاع از نظام جمهوری، پایه‌های اقتدار خود را با دور کردن مخالفین داخلی از قدرت و تضعیف پایگاه‌ها و نهادهای حامی قدرت کمالیست‌ها مستحکم کرده و با کنار زدن برخی مؤلفه‌های دموکراتیک مانند احزاب، جامعه مدنی و رسانه بعد از کودتای ۲۰۱۶، کانون‌های قدرت این کشور را به طور کامل در اختیار گرفت و سرانجام با تغییر و اصلاح در قانون اساسی، زمینه‌های تثبیت قدرت حزب عدالت و توسعه در سپهر سیاسی و اجتماعی ترکیه را به نحو بی‌سابقه‌ای تشدید کرد. در خصوص مؤلفه آخر نیز باید خاطر نشان ساخت که اردوغان برای رویارویی با بحران‌های سیاسی از انواع مختلفی از شیوه‌های بسیج سازمان‌نیافته مانند؛ ارتباط مستقیم و بدون واسطه با مردم، احساسات عمومی (گریه در ملاء عام) استفاده از مفهوم اراده ملی به عنوان یک رسانه بسیج توده‌ای و ایجاد سازمان‌ها، تشکل‌ها، کنفدراسیون‌های کارگری و انجمن‌هایی برای مسائل زنان در راستای اهداف استراتژیک خود بهره‌برداری کرده است؛ بنابراین با توجه به موارد گفته شده می‌توان ادعا کرد که سیاست‌های دولت اردوغان و حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر در ترکیه با رگه‌های غلیظی از پوپولیسم درهم آمیخته شده است و اردوغان ناگزیر برای حفظ موقعیت شخصی خود و جایگاه حزبی از پوپولیسم همچون نوعی «استراتژی سیاسی» بهره گرفته است.

## منابع

### الف - منابع فارسی

- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۶)، *دولت و جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی پس از بهار عربی)*، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی و محمد حاجی‌پور، تهران: نگاه معاصر، چاپ یکم.

- خلیج منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۵)، «اقتدارگرایی اردوغان در حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه»، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۷، شماره ۴، صص ۶۷-۹۱.
- چاغانپتای، سونر (۱۳۹۷)، سلطان جدید؛ اردوغان و بحران در ترکیه، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: نشر نسل نواندیش، چاپ یکم.
- جزایی، محدثه (۱۳۹۵)، «هوموساگرهای نوین، بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۹، صص ۲۴۶-۲۲۱.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۹)، «درآمدی نظری بر مفهوم، ماهیت و عملکرد پوپولیسم»، رهیافت سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، ش ۲ پیاپی (۶۰)، صص ۶۲-۸۵.
- زکی، یاشار؛ یزدان‌پناه درو، کیومرث؛ مصطفوی، غلامعلی (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل انتخابات مجلس ملی ترکیه (۲۰۱۱-۲۰۰۲)»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، ش ۱، صص ۵۷-۳۱.
- یاوز، هاکان (۱۳۹۲)، هویت سیاسی اسلامی در ترکیه معاصر، ترجمه آزاد حاجی‌آقایی، تهران: نشر اشاره، چاپ یکم.

## ب- منابع اینترنتی

- گلکاریان، قدیر. ترکیه در شرایط سخت اقتصادی، اندیشکده جریان، تاریخ مراجعه به سایت، <https://www.Scfr.ir>، ۱۴۰۱/۰۱/۲۲
- اردوغان کیست و چگونه به قدرت رسید؟ شبکه العالم، تاریخ مراجعه به سایت، <https://fa.alalam.ir/news/1622067/>، ۱۴۰۱/۰۱/۲۲
- پیروزی تلخ حزب عدالت و توسعه / سایه سنگین سیاست خارجی بر سیاست داخلی اردوغان، خبرگزاری فارس، تاریخ مراجعه به سایت، ۱۴۰۱/۰۵/۲، <https://www.farsnews.ir/news/13940318100662>

– بحران اقتصادی ترکیه در آستانه انتخابات، میدل ایست نیوز، تاریخ مراجعه به سایت، ۱۴۰۱/۰۵/۲:  
<https://mdeast.news/2022/07/24>

### پ- منابع انگلیسی

- Akyol. M(2016, June 21). Erdoganism [Noun]: From ‘National Will, to ‘Man of the Nation,’ an Abridged Dictionary for the Post-Secular Turkish State. *Foreign Policy*. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2016/06/21/erdoganism-noun-erdogan-turkey-islam-akp/>.Google Scholar.
- Aslan. S(2021).’’ Public Tears: Populism and the Politics of Emotion In AKP’s Turkey’’. *International Journal of Middle East Studies*. Vol 53 (1) 1 – 17.
- Atacan. F(2005). "Explaining religious politics at the crossroad: AKP-SP". *Turkish Studies*, 6(2), 187-199.
- Aytaç. S. & Öniş. Z(2014). “Varieties of Populism in a Changing Global Context: The Divergent Paths of Erdogan and Kirchnerismo.” *Comparative Politics*. 47:1 (2014) 41–59.
- Barr. R. R(2009). "Populists, Outsiders and Anti-Establishment Politics ". *Party Politics*, 15(1), 29–48.
- Barr. R. R(2018, Sep 3). Populism as a political strategy, in *Routledge Handbook of Global Populism*. Retrieved from [www.routledgehandbooks.com](http://www.routledgehandbooks.com).
- Baykal. z(2013). "Geziparkidirenciart Ortudoguteknik, Irkgilikuyesi” (RCO5), *universitesiturkey*.
- Bora. Tanıl(2017). *Cereyanlar; Türkiye, de Siyasi Cereyanlar*. İstanbul: İletişim Yayınları.
- Bejarano. A.M. and Leongomez. E.P(Eds) the Crisis of Democratic Representation in the Andes. : Stanford University Press.

- Collier. Ruth Berins(2001) *Populism*. In International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences. edited by -Neil J. Smelser and Paul B. Baltes. 11813-16. New York: Elsevier.
- Gagaptay. S(2018). "Turkey. The International Spectator". *Italian Journal of International Affairs*. Volume. 53 (4) 1-15.
- Canovan. M(1981). *Populism*. London: Junction Books.
- Carlos. de la Torre(2018). *Routledge Handbook of Global Populism(Ed)*. London: Rutledge Comparative InternationalDevelopment. 3-31.
- Castaldo. A(2018). "Populism and Competitive Authoritarianism in Turkey." *SoutheastEuropean and Black Sea Studies*. 18 (4) 467-487.
- De laTorre. C(2000). *Populist Seduction in LatinAmerica (2nd Ed)*.Athens. OH: OhioUniversityPress.
- Dinçşahin. Ş(2012). A Symptomatic Analysis of the Justice and Development Party's Populism in Turkey, 2007- 2010. *Government and Opposition*, Vol. 47(4) 618-640.
- Donmez. R., Kasim. T. & Armagan. F(2020). "TEKE LLOYD the Nexus of Leadership, Political Empowerment, and Social Mobilization: The Case of the July 15 Coup Attempt in Turkey". *Insight Turkey*. Vol. 22( 2)151-175.
- Esen. Berk& Gumuscu.Sebnem(2016). "Rising competitive authoritarianism in Turkey". *Third World Quarterly*. 37(9):1-26.
- Hawkins. K. A(2018). *The ideational approach. in Routledge Handbook of Global Populism*. ed. Carlos de laTorre (Abingdon: Routledge, 03 Sep 2018).Routledge Handbooks Online.
- Kalaycoglu.E(2011). *The TurkisEuodysey and Political Regime change in turkey*. southEuropean society and politics. (sp.iss.si). Vol (16) 272-274.

- Karagül. İ(2016, 9 Mayıs). Kongre, Başkanlık sistemi ve Güney'den gelen tehdit. Retrieved from [yenisafak.com/yazarlar](http://yenisafak.com/yazarlar).
- Kriesi. H & Takis P(2015). *European Populism in the Shadow of the Great Recession*, Colchester: ECPR Press.
- Lancaster. Caroline(2014). "the iron law of Erdogan: the decay from intra-party democracy to personalistic rule". *Third World Quarterly*. 35(9) 1672-1690.
- Laclau E(2005b) *Populism: What's in a name?* In: Panizza F (ed.) *Populism and the Mirror of Democracy*. London: Verso. 32-49.
- Massicard. É(2021). *Populism in Turkey: Towards the Demise of Democracy?* Retrieved from <https://www.sciencespo.fr/research/cogito/home/populism-in-turkey-towards-the-demise-of-democracy/?lang=en>.
- Mudde. C(2004). "The Populist Zeitgeist". *Government and Opposition*. 39(3): 541-63.
- Mayorga. R(2006). *Outsiders and Neopopulism: The Road to Plebiscitary Democracy*. In Mainwaring. S. *Odatv.tr*. 2019/01/3030.
- Oktay. Y. Özensel. E(2004). *Modern Türkiye, de Siyasi Düşünce* İstanbul: İletişim Yayınları.
- ÖzÇelik. N(2017). "One Year after July 2015, Turkey'S Fight against Terrorism". *SETA*, No. 36.
- Ozbudun. Ergun(2014). *Akp at the Crossroads: Erdogans Majoritarian Drift, South European Society and Politics*. Vol (19) 155-167.
- Pappas. T.S(2012). "Populism Emergent: A Framework for Analyzing Its Contexts, Mechanics, and Outcomes". EUI Working Paper RSCAS2012/01. Florence: *European University Institute, Robert Schuman Centre for Advanced Studies*.

- Roberts. K.M (2006).”Populism, PoliticalConflict, andGrass-RootsOrganizationinLatinAmerica”. *Published Political Science Comparative*. Vol. 38( 2)127-148.
- Rami. Burak(2019).” Defining Populism through Turkey’s Erdoğan”. *Universita Ca’ Foscari Relazione Internazionale Comparativo*. Retrieved from :<http://hdl.handle.net/10579/16006>.
- Resnick. D(2015).VarietiesofAfricanPopulismInComparativePerspective.In: DelaTorre. C. Publisher(s): DOI : <http://www.jstor.org/stable/j.ctt12880g5>
- Roberts. K.M(2006).*Populism, PoliticalConflict, andGrass-RootsOrganizationinLatinAmerica*. Published Political Science Comparative politics.
- Stanley. B(2008). “The thin ideology of populism”. *Journal of Political Ideologies*. 13(1) 95-110.
- Shils. E(1956). *The Torment of Secrecy*. New York: Free Press.
- SOLI. O(2022, January24). Revolution in Slow Motion: Politics of Resentment, Empowerment and Identity in Turkey. Retrieved from <https://www.institutmontaigne.org/en/blog/revolution-slow-motion-politics-resentment-empowerment-and-identity-turkey>
- Söyler. M (2013). *Informal institutions, forms of state and democracy: the Turkish deep state*. Democratization, 20:2, 310-334, DOI: 10.1080/13510347.2011.650915Stanford, CA: StanfordUniversityPress
- Turkey Shuts Scores of Media Outlets. Sacks Generals, (2016, Jul 27), *AlJazeera*. Retrieve from<http://www.aljazeera.com/news/2016/07/turkey-close-armyhigh-schools-fai>.
- Tella. Di. Torcuato.T(1965). Populism and Reform inLatin America. Obstacles to change in Latin America. London [u.a.]: Oxford Univ. Press, 47-74

- Taş. H(2015). “Turkey – from tutelary to delegative democracy”. *Third World Quarterly*, .776-791
- Taspınar. O(2012). “Turkey’s Strategic Vision and Syria”. Center for Strategic and International Studies, the Washington Quarterly. 127-140.
- Türk. H. B(2018). “Populism as a medium of mass mobilization’: The case of Recep Tayyip Erdoğan”. *International, Area Studies Review*, Vol. 21(2) 150–168.
- Weyland. K(1996).”Neo-Populism and Neo-Liberalism in Latin America: Unexpected Affinities”. *Studies in Comparative International Development*. 32(3).3–31.
- Yayla. A (2016, 20 August). Turkey’s July Coup Attempt: A Gift from God to a new Authoritarianism. *International Center for the Study of Violent Extremism (ICSVE)*. Retrieve from <http://www.icsve.org/brief-reports/turkeys-july-coup-attempt-agift-from-god-to-a-new>.
- Yabancı. B(2016). “Populism as the problem child of democracy: the AKP’s enduring appeal and the use of mesolevel Actors. *Southeast European and Black Sea Studies*. 591-617.
- Yavuz. M.H(2003). *Islamic Political Identity in Turkey*. Oxford University Press
- Zasztovt. K(2016). *The can sequences of the failed Military Coup in Turkey*. (Bulletin, No. 44–894). Information website: <https://www.ceeol.com/search/gray-literature-detail?id=598224>.